

عفیف بودن آوارها را کنار می زند!

■ کبری فرشچی

تصور کن ساعت‌ها زیر آوار باشی و کم‌کم بارقه‌های امید به نجات از چنین شرایطی در درون وجودت رو به خاموشی بگذارد. نگرانی از پس لرزه‌هایی که هر آن ممکن است کارت را تمام کند و پایانی در دناک برای زندگی ات باشد، فشار روانی ساعت‌ها حبس بودن زیر تلی از خاک و نخاله را استنگین تر می‌کند. به یک باره صدای امدادگران در گوش تو زنگ می‌زند و بارقه‌های امید به نجات دوباره در درون وجودت ریشه می‌دواند. امدادگران آوارها را کنار می‌زنند و به تو می‌رسند. در چنین شرایطی نخستین چیزی که به ذهنت می‌رسد چیست؟

وقتی قرار است به این سؤال پاسخ دهی به طور یقین شاید بحث اولویت حجاب به نجات از زیر آوار به ذهن شما نرسد اما تصاویر

منتشر شده از نجات زنی در زلزله ترکیه نشان می‌دهد این مادر حجاب برایش به نجات از زیر آوار اولویت دارد.

تصاویر دیگری نیز از این ماجرا مخابره شده است. به طور نمونه دختر ۱۱ ساله‌ای که زیر آوار در حالی با امدادگران در حال صحبت است که یک تار مویش بیرون نیست و حجابش برایش آنچنان مهم است که در این لحظات سخت هم آن را رها نکرده است. این موضوعی نیست که بتوان ساده از کنار آن عبور کرد و رسانه‌ها وظیفه دارند درباره اهمیت این مسئله و چرایی اهمیت حجاب در یک کشور لائیک کار کنند و موضوع را مورد واکاوی قرار دهند.

مسئله فطری بودن حجاب و حیا و میل انسان به حفظ خود در برابر نگاه نامحرم بی شک یکی از دلایل خلق چنین صحنه‌هایی است، اما این تمام ماجرا نیست و بخشی از موضوع هم به تربیت

خانوادگی و نهادینه شدن ارزشی همچون حجاب در بستر خانواده باز می‌گردد، چراکه جامعه ترکیه از زمان آتاتورک به جامعه‌ای ضد دین تبدیل شده، اما ریشه باورهای مذهبی در میان خانواده‌های اصیل این کشور تا جایی رشد کرده و عمق دارد که امروز هم بخشی از زنان و دختران این کشور همچنان به حجاب و عفافشان مقید هستند و این تقید تا جایی است که حتی در هنگامه‌ای همچون نجات از زیر آوار زلزله و در شرایطی که هر لحظه ممکن است لشکر آوار با شدت بیشتری فرو بریزد و تبعات جبران ناپذیری داشته باشد، باز هم یک زن حجابش برایش اولویت است یا یک دختر ۱۱ ساله، موهایش را به طور کامل پوشانده تا حتی در چنین شرایطی هم عفت و حیا پیش حفظ شود و نگاه نامحرم به موهایش نیفتد.

شاید اگر چنین اتفاقی در دنیای غرب و در راستای تأمین منافع‌شان رخ داده بود، رسانه‌های غربی تا مدت‌ها روی آن مانور می‌دادند و به تیتیر نخست رسانه‌های‌شان تبدیل می‌شد، اما چنین موضوع مهمی با تمام ابعاد و تأثیر شگرفی که برای تبلیغات مثبت درباره حجاب دارد، در رسانه‌های ما مورد غفلت واقع شده است. شاید مهم‌تر از نمایش تصاویر اهمیت مسئله حجاب برای این بانوان زیر آوار مانده، واکاوی چرایی چنین نگاهی در کشوری است که سال‌هاست تلاش می‌شود حجاب را از سر بانوان بردارند و فرهنگ غربی و برهنگی را در ذهن زنان و دختران‌شان جایگزین کنند. به طور یقین قاطبه زنان ایرانی، حتی زنان و دختران شل حجاب ما هم در چنین شرایطی چنین نگاهی دارند، چراکه در کنار فطرت، تربیت‌شان هم مبتنی بر عفت و پاکدامنی است.

نگاه جامعه‌شناسانه به پدیده زنان و دختران محجبه سوریه و ترکیه در زیر آوار در گفت‌وگو با جامعه‌شناس مذهبی

دولت لائیک ترکیه نتوانست جوهره دین را از مردم بگیرد

■ زهرا چیدری

واکنش زنان و دختران محجبه‌ای که از زیر آوارهای زلزله ترکیه و سوریه بیرون کشیده می‌شدند، موضوعی است که از منظر جامعه‌شناسی قابل بحث و بررسی است. زنان و دخترانی که حتی در زیر آوار هم پوشش کامل دارند یا مادری که بدون حجاب راضی نمی‌شود از زیر آوار بیرون بیاید یا دختر بچه‌ای سوری که وقتی از زیر آوار بیرون کشیده می‌شود، بابت نمازهایی که از او فوت شده اشک می‌ریزد. هیچ کدام از این زنان و دختران در شرایطی نیستند که بخواهند به دینداری تظاهر کنند و به خصوص در کشور لائیک همچون ترکیه تظاهر به دینداری ارزش محسوب نمی‌شود! پس این ماجرا بخشی به زمینه‌های فطری انسان بازمی‌گردد و بخشی دیگر نیازمند واکاوی‌های انسان‌شناختی، جامعه‌شناسی و مردم‌شناختی است. با دکتر سیدامیر عباس عبداللهی، جامعه‌شناس و مدرس دانشگاه همکلام می‌شویم تا این پدیده را از منظر جامعه‌شناسی بررسی کنیم.

■■■

در زلزله اخیر ترکیه و سوریه شاهد رقم خوردن اتفاقات جالبی بودیم؛ خانمی که در ترکیه لائیک بدون روسری از زیر آوار بیرون نیامد، دختر بچه ۱۱ ساله‌ای که با حجاب کامل از زیر آوار بیرون کشیده می‌شود یا دختر بچه‌ای که پس از بیرون آمدن از زیر آوار گریه می‌کند که چند روز است نماز نخوانده‌ام. چرا در کشوری همچون ترکیه که کشوری لائیک محسوب می‌شود و حجاب قانون نیست، شاهد چنین صحنه‌هایی هستیم یا چرا دختر بچه سوری در آن شرایط خاص برای از دست رفتن نمازهای گریه می‌کند؟

حجاب بحثی فطری است. اتفاقاتی که در ترکیه افتاد و قبل از آنکه کمال آتاتورک طرح بحث مدرنیزاسیون و برداشتن حجاب را مطرح کند، ما شاهد حکمرانی دولت عثمانی به عنوان دولتی مسلمان هستیم که به مسائل و مناسک مذهبی توجه بسیاری داشتند. درست است که در حال حاضر در این کشور با اسلام سکولار مواجهیم اما مسائل عقیدتی یا پوست و گوشت مردم عین شده و اینگونه نیست که مردم با وجود تحت فشار قرار گرفتن از دین یا فرهنگ اصلی خود دست بردارند. ممکن است مردم تحت عواملی همچون بحث مدرنیسم و اینها کمی اثر پذیرفته باشند اما در همان دوران مدرنیسم هم شاهد آن هستیم که قشرهای مذهبی هم در این کشور حضور داشتند و نمی‌شد این قشر را کنار گذاشت. در پدیده‌ای که اتفاق افتاد و در همین زلزله با وجود اینکه با کشوری لائیک و بی‌خدا مواجهیم، می‌بینیم که اینها خدا را صدا می‌زنند یا بچه‌ای که وقتی از زیر آوار بیرون می‌آید، می‌گوید ای وای نماز را نخواندم. این نشان می‌دهد نمی‌توان یک نهاد فکری را از جامعه‌ای دور کرد. هر چند این جامعه کانالیزه شده و حالت مدرنیته و پست‌مدرن بگیرد اما باز هم گرایشات و خرده فرهنگ‌ها و علقه‌های مذهبی را در کشورهای اسلامی می‌بینیم. ترکیه هم زمانی جزو کشورهای اسلامی بود و از آن به عنوان کشوری اسلامی یاد می‌شد. درست است که در سال‌های اخیر دولت ترکیه لائیک شده و دین را کنار گذاشته‌اند اما نتوانسته‌اند جوهره دین را از مردم بگیرند و جوهره دین در ذهن و باور مردم آنقدر قوی است که نظام سیاسی نتوانسته است آن را از بین ببرد. هر چند کم‌رنگ شده یا در پست‌گذاشته شده اما این جوهره وجود دارد. کشورهای لائیکی مانند آذربایجان یا قزاقستان و نخبوان، گرایشات اسلامی دارند حتی اگر حکومت‌ها با اسلام مخالفت داشته باشند.

در برابر این صحنه‌ها در یک کشور لائیک با صحنه شل حجابی و بعضاً بی‌حجابی خانم‌ها در کشور خودمان مواجهیم. اگر بخواهیم این مسئله را با جامعه خودمان مقایسه کنیم چطور؟

اولاً در جامعه و کشور اسلامی ما مسئله حجاب خوب تبیین نشده و جا نیفتاده است. مسئله حجاب نه فقط در دین اسلام بلکه در تمامی ادیان ابراهیمی مورد توجه قرار گرفته است. همچنانکه در سنگ‌نبشته‌های تخت جمشید شاهد حضور بانوان محجبه هستیم. مسئله حجاب مسئله‌ای کلیدی در تمام جوامع و ادیان بوده و به جامعه ما اختصاص ندارد. فرهنگ غرب از آنجا که مخالف کرامت

انسانی و مسائل فطری است و استفاده ابزاری که نسبت به مسئله زن دارد، این را علم کرده و مسائل حاشیه‌ای را در سطح جامعه مطرح می‌کند و به گونه‌ای جا می‌اندازد که بدحجابی کردن نوعی نافرمانی مدنی است. در حالی که در قانون عهد عتیق، در قانون گاتاهای زرتشت و سایر موارد بحث حجاب و پوشش مخالفت مدنی نیست و حتی در خود غرب هم تا قبل از جنگ جهانی دوم مسئله حجاب از مسائل کلیدی بود، اما بعد از این جنگ نگاه غرب به انسان نگاه ابزار محور شده و خدامحور و با تئوری ماکیاوولی که هدف وسیله را توجیه می‌کند، به موضوع نگاه کردند. برخی با شل حجابی می‌خواهند نوعی نافرمانی و هنجارشکنی را در سطح جامعه نشان دهند و مسئله را به یک بحران تبدیل کنند، در حالی که مسئله ما این نیست. مسئله‌ای که ما داریم بحث فطرت و کرامت و ارزش ولای انسان است. حجاب مانعی از گزند و آسیب‌هاست. اگر شما عطر خوشبویی داشته باشید، سعی می‌کنید برای محافظت از آن بهترین راهکارها را انتخاب کنید. پوشش یک کرامت و شاخصه انسانی به فرد می‌دهد، اما جامعه غرب نمی‌خواهد این شاخصه را داشته باشد. هنگامی که مردم به نظام جمهوری اسلامی رأی دادند، هم افراد باحجاب، هم شل حجاب و هم بی‌حجاب به جمهوری اسلامی رأی دادند. جامعه امروز که از آن دوران شرایط پیچیده‌تری ندارد. در آن دوران خفقان ۹۸ درصد از مردم به جمهوری اسلامی رأی مثبت و پیام‌شان را به جهان‌بینان نشان دادند. بدحجابی راه اعتراض نیست و این کار از بین بردن هویت فردی و آسیب به هویت اجتماعی است و با تبعات اجتماعی این ماجرا اقوام اجتماعی از بین می‌رود.

پس از نگاه شما اگر امروز با چالش شل حجابی مواجهیم، مشکل اصلی به تبیین ما بازمی‌گردد؟

بله دقیقاً، ما در مسئله حجاب خوب تبیین نداشته‌ایم و اگر هم مسئله‌ای است به تبیین ما بازمی‌گردد. همانطور که مقام معظم رهبری هم به بحث جهاد تبیین تأکید دارند ما باید مسئله حجاب و پوشش را خوب تبیین می‌کردیم و این یک شاخصه است. باید این شاخص را در سطح جامعه رشد بدیم و گفت‌وگوها و گفت‌وگوهای سازنده داشته باشیم اما در دستگاه‌های مسئول نسبت به گفت‌وگو سازی و فرهنگ سازی کویاها کرده‌اند. در حال حاضر ما ۷۳ دستگاه فرهنگی داریم که هماهنگی میان اینها کار ساده‌ای نیست و موجب می‌شود اصل مطلب روی زمین بماند. اینکه حضرت آقا روی بحث جنگ فرهنگی تأکید دارند، چون جنگ فرهنگ و رسانه است و ابزار، ابزار رسانه است اما باید آن را تبیین کرد.

اما ترکیه هم کشوری غیراسلامی است که اتفاقاً برای تغییر فرهنگ و سبک زندگی مردم این کشور از زمان آتاتورک تلاش گسترده‌ای در آن صورت گرفته است. چرا این تلاش در آن جامعه مؤثر نبوده اما جامعه ما از این زاویه آسیب‌پذیر شده است؟

آن مدرنیزاسیونی که در ترکیه اتفاق افتاد و آنچه باعث شد هویت اسلامی ترکیه بشکند، مسائل فرهنگی و اجتماعی این کشور بود. در دولت پهلوی هم ما شاهد این هستیم که تلاش شد اما نتوانستند عنصر و هویت اجتماعی را بگیرند اما در ترکیه این عنصر و هویت در فرهنگ غرب حل شد، ولی چرا با وجود این استحاله باز هم شاهد چنین صحنه‌هایی هستیم، چون استحاله کامل اتفاق نیفتاده و فطرت همه انسان‌ها خداجوست.

در قرآن هم داریم که وقتی انسان‌ها در شرایط سختی قرار می‌گیرند که به گونه‌ای میان سرگ و زندگی هستند، خدا را خلاصانه یاد می‌کنند. آیا بخشی از این واکنش‌ها ناشی از همین احساس است؟

کسی خدمت امام صادق (ع) می‌آید و می‌پرسد: خدا کیاست؟ امام می‌پرسد: شغلت چیست، می‌گوید: ملوان کشتی هستم. امام از او می‌پرسد: آیا شده در دریا دچار طوفان شوی و حس کنی که کشتی‌تان در حال غرق شدن است و شما جز تک‌ای تخته پاره چیزی برای نجات خودتان ندارید؟ آنجا خدا را می‌بینید. در اینجا هم ما با یک پدیده طبیعی مواجهیم که قدرت الهی هم هست، در این حالت باز مجدداً انسان‌ها را به سرخط طبیعی خودشان بازمی‌گرداند که همان حالت بکا و ارتباط با خدا داشته باشند. همچنان که در پدیده کرونا شاهد این بودیم که حتی در کشورهای غربی هم مردم به کلیساها و دعا روی آورده بودند.

